یادداشت

جدال دانش و تجربه

در گرماگرم یک بحث جدی بودیم که یکی از طرفین بحث به طرف دیگر رو کرد و گفت: به نظر می‌رسد شما دانش کافی برای تحلیل درست این مساله را ندارید. دیگری گفت: مشخصا منظور شما از دانش کافی چیست؟! آیا منظورتان مدرک دانشگاهی است؟ همین پرسش و پاسخ‌ها، تلنگری بود برای نوشتن این مطلب.

احتمالا بارها برایتان پیش آمده است که در جلسات کاری یا مصاحبه شغلی بحث تجربه و دانش به‌میان آمده است. پرسشی که مطرح است، اینکه منظور از اینکه فلانی «دانش» دارد چیست؟ و منظور از «داشته او» چیست؟ یا هرگاه گفته می‌شود که فلانی دارای سال‌ها «تجربه» است، این ادعا را چگونه و با چه معیارهایی می‌توان سنجید؟ آیا داشتن سنوات کاری به معنای داشتن تجربه است؟ یا اگر شخصی مدرک دانشگاهی دارد به معنی این است که دانش دارد؟ آیا دانش و تجربه دو مقوله بی‌ارتباط و جدا از هم‌اند یا ارتباط معناداری با هم دارند؟ با توجه به اهمیت موضوع برای مدیران و فعالان کسب و کار، در این نوشتار برآنیم تا با واکاوی مفهوم تجربه و دانش و پاسخ به سوالات فوق، درکی روشن‌تر از این اصطلاحات را به‌دست دهیم.

برای پیشبرد بحث در ابتدا شرحی بر انواع دانش نوشته شده است. به‌صورت کلی دانش شامل علم، فن و هنر است.

۱- علم: مطالعه، درک و تحلیل پدیده‌ها

هدف اهل علم، مطالعه پدیده‌ها، اعم از پدیده‌های مصنوع انسان و طبیعی است. برای مثال رشته‌های دانشگاهی باکتری‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فیزیک، شیمی، زیست و... هر کدام در پی یافتن حقایقی از محیط درون و برون انسان هستند. علم‌آموزان با مطالعه مبانی نظری رشته خود به درک و تحلیل درستی از واقعیات پیرامونی آن رشته دست پیدا می‌کنند. در سطوح بالاتر علمی همچون دکترای تخصصی رشته‌های یادشده، انتظار می‌رود علم‌آموزان، ضمن شناخت و درک فلسفه رشته علمی خود، نظریه‌پردازی کرده و مرزهای علم را گسترش دهند. به میزانی که نظریه‌های علمی مطرح‌شده تبیین دقیق و جامعی از حقایق پیرامونی به‌دست دهند، مطلب علمی‌تری بیان شده است و با پذیرش پارادایم فکری خردگرایی انتقادی (ابطال گرایی) پوپر، این چرخه نظریه‌پردازی و ابطال آن به‌صورت مستمر موجب رشد و توسعه علوم خواهد شد. در این بخش، کار محقق، بیان یک حدس خردمندانه از واقعیات دنیای پیرامون و آزمودن آن است. حال این حدس خردمندانه ممکن است بر پایه مطالعات پیشین علمی باشد یا ناشی از تجربه باشد، که در ادامه راجع به این موضوع بیشتر خواهیم گفت.

۲- فن: ایجاد بهبود

بهبود، حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است. این حرکت می‌تواند گام‌های کوچک و به‌اصطلاح ژاپنی‌ها کایزنی باشد یا بزرگ و تحولی. رشته‌های دانشگاهی روابط بین‌الملل، مدیریت استراتژیک، مدیریت منابع انسانی، مهندسی مکانیک و پزشکی را در نظر بگیرید. این رشته‌ها اساسا و به‌ذات خود در پی بهبود اوضاع جامعه، سازمان، ابزارها و افراد هستند. وقتی شخصی مدیر یک سازمان می‌شود، باید هدف غایی خود را «بهبود وضعیت سازمان» تعریف کند. البته در شرایط بحرانی که انتظار می‌رود وضعیت روزبه‌روز بدتر شود، خود حفظ وضع موجود «بهبود» قلمداد می‌شود، با این حال بسیار مهم است که مدیران همواره ایجاد تغییر مثبت را رسالت خود بدانند.

گفتنی است، فن با علم ارتباط ناگسستنی دارد. برای مثال انتظار می‌رود پزشکان همواره دانش خود را با مطالعه علم آناتومی و داروشناسی و دیگر رشته‌های مربوطه روزآمد سازند و سپس آن را برای بهبود حال بیماران خود به‌کار گیرند، در غیر این‌صورت به مرور مهارت پزشک برای تشخیص و ارائه راهکار درمانی روزبه‌روز تضعیف خواهد شد.

۳- هنر: افزودن زیبایی و کاستن زشتی

رسالت بنیادین این قسم از دانش افزودن بر زیبایی‌ها و کاستن از زشتی‌ها در دنیای پیرامونی است. هنر به‌صورت کلی به دو دسته مکتوب و غیرمکتوب تقسیم می‌شود. رمان و شعر نمونه‌هایی از هنر مکتوب و سینما و تئاتر نیز جزئی از هنرهای غیرمکتوب است. با پذیرش این تعریف، هنرمند کسی است که بتواند به‌صورت مکتوب یا غیرمکتوب اثری خلق کند که به زیبایی‌های دنیای پیرامونی بیفزاید یا از زشتی‌های آن بکاهد. بدیهی است همچون فناوران، هنرمندان نیز برای موفقیت بیشتر و رشد سریع‌تر در رشته هنری خود نیازمند مطالعه مبانی نظری و درک واقعیات جهان پیرامونی هستند. برای پاسخ به سوالات مطرح شده باید فراتر از تعاریف برویم. در ادامه به واکاوی مفهوم تجربه و دانش و ارتباط بین آنها پرداخته می‌شود.

ارتباط دانش و تجربه

حال برمی‌گردیم به یکی از همان سوالات که در آغاز مطرح کردیم و آن اینکه هرگاه می‌گوییم فلانی دارای تجربه است منظورمان چیست؟ ناگفته نماند که این پرسش را درباره سازمان‌ها و شرکت‌ها و مانند آنها نیز می‌توان مطرح کرد. قبل از پاسخ به این سوال باید مفهوم بهره‌وری را با هم مرور کنیم. منظور از افزایش بهره‌وری، افزایش کارآیی و اثربخشی است. برای مثال اگر شما به‌نسبت رقبایتان محصول یا خدمات مشابهی را با هزینه کمتر تولید یا عرضه کنید، این بدان معنا است که کارآتر عمل کرده‌اید. از طرفی اگر محصول شما فارغ از کارآ یا ناکارآ بودن مورد اقبال بازار و مشتریان قرار گرفت و توانست نیاز مشتریان را به درستی برطرف کند، محصول شما اثربخش بوده است. حال با بیان تعریف ساده بهره‌وری، برمی‌گردیم به ارتباط تجربه و دانش.

منحنی تجربه و منحنی یادگیری دو مفهومی هستند که به لحاظ علمی قابلیت اثبات و تحلیل دارند. این مفاهیم گویای آن هستند که به میزانی که زمان می‌گذرد و فرد در مواجهه مستقیم با فرآیند تولید یا عرضه خدمات قرار می‌گیرد، هزینه‌های تولید و ارائه خدمت در مجموع کاهش می‌یابد. برای مثال وقتی تحویلدار بانک برای اولین‌بار می‌خواهد یک سند واریز وجه را ثبت کند، علاوه بر استرس روانی، کارکرد سیستم را نیز به‌خوبی نمی‌شناسد و همین امر موجب می‌شود زمانی بیش از حد معمول وقت بگذارد و کندتر کار را انجام دهد. اما با گذشت زمان و به مرور این کار هم به لحاظ ذهنی و هم عملی راحت‌تر انجام می‌شود و در واقع بهره‌وری فرد افزایش می‌یابد. این افزایش بهره‌وری ناشی از رشد یادگیری است که تجربه نامیده می‌شود. مثال‌های فراوانی در این زمینه وجود دارد، اما باید در نظر داشت منحنی یادگیری و به تبع آن منحنی تجربه همیشه روندی صعودی و یکسان ندارد.

در برخی مشاغل همچون مثال بالا، منحنی یادگیری با افزایش زمان و انجام کار روندی صعودی دارد، سپس تقریبا ثابت می‌ماند، به این معنا که فردی که ۲۵ سال در پیشخوان بانک عملیات بانکداری را انجام می‌دهد با فردی که ۵ سال است این کار انجام می‌دهد، تفاوتی ۵ برابری در تسریع انجام کارها ندارند، حتی بین فردی که ۵ سال این کار را انجام داده است با فردی که یک سال است این کار را انجام می‌دهد نیز چنین اختلافی وجود ندارد. در چنین شغلی با گذشت ۶ ماه می‌توان بخش ریالی و نهایتا با گذشت یک سال بخش تسهیلات و ارز را فرا گرفت و روند یادگیری در این بازه زمانی شیب زیادی دارد، سپس این روند رو به رشد تقریبا متوقف می‌شود.

از مرحله توقف یادگیری، شاید بتوان گفت کسب تجربه به معنای افزایش بهره‌وری نیز متوقف می‌شود. بنابراین ناگفته پیداست که کسب تجربه ارتباط قابل توجهی به ماهیت کار دارد. کار در بخش صف بانک را با کار در یک شرکت مشاوره مدیریت مقایسه کنید.

صادق قادری کنگاوری

بضاعتی‌پور:

هر سال ۱۳ کیلومتر به شبکه انتقال آب کرج اضافه می‌شود

رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری کرج گفت: حدود ۴۰ درصد از آب لازم برای آبیاری فضای سبز کرج از طریق شبکه آب خام، ۱۰ درصد از طریق تصفیه خانه، ۳۰ درصد از طریق شبکه آب شرب شهری و ۲۰ درصد باقی مانده نیز از رودخانه کرج تامین می‌شود

به گزارش پیام آشنا، پیمان بضاعتی پور با اشاره به میزان آب مصرفی برای آبیاری فضای سبز شهری کرج اظهار کرد: در هر ثانیه حدود ۶۲۰ لیتر آب صرف آبیاری فضای سبز شهری کرج می‌شود.

وی ادامه داد: ۴۰ درصد از این آب از طریق شبکه آب خام، ۱۰ درصد از طریق تصفیه خانه، ۳۰ درصد از طریق شبکه آب شرب شهری و ۲۰ درصد باقی مانده نیز از رودخانه کرج تامین می‌شود.

وی با اشاره به برنامه ریزی برای کاهش سهم آب شرب شهری برای آبیاری فضای سبز توضیح داد: در حال حاضر برای آبیاری بخشی از فضای سبز شهری کرج از ۱۱ قنات با ظرفیت استحصال ۱۶۰ لیتر در ثانیه استفاده می‌شود در حالی که ظرفیت واقعی این قنوات ۳۰۰ لیتر در ثانیه است.

بضاعتی پور تاکید کرد: از آنجایی که طی سال‌های قبل شبکه انتقال آب کامل نبوده، امکان استفاده از تمام ظرفیت این قنوات وجود نداشته است.

این مسئول اضافه کرد: هر سال ۱۳ کیلومتر به شبکه انتقال آب کرج اضافه می‌شود تا بتوانیم ظرفیت استفاده از قنوات را به حداکثر برسانیم.

بضاعتی پور با تاکید بر ضرورت افزایش بهره وری سیستم آبیاری فضای سبز شهری گفت: از طریق لایروبی و اورهال قنوات، توسعه شبکه انتقال از محل تولید یعنی قنوات به چاه و بعد از آن به محل مصرف می توانیم بهره وری سیستم آبیاری را افزایش دهیم.

رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری کرج توضیح داد: البته به دنبال اصلاح الگوی کاشت گونه‌های گیاهی هم هستیم تا از این طریق درختانی در سطح شهر کاشته شوند که به کم آبی مقاوم هستند.

وی با اشاره به ضرورت افزایش تعداد تصفیه خانه‌های کرج افزود: با این اقدام می توان از آب‌های غیر متعارف یعنی پساب حاصله از فعالیت تصفیه خانه برای آبیاری فضای سبز شهری استفاده کرد.

وی ادامه داد: سال ۹۶ یک تصفیه خانه در حصارک و سال گذشته هم تصفیه خانه دیگری در مهرویلا به بهره برداری رسیده و امسال هم تصفیه خانه سوم کرج در تقاطع بلوار دانش آموز افتتاح خواهد شد.

بزنی تاکید کرد:

جمع آوری و بازیافت زباله نیازمند آموزش و فرهنگ سازی

عضو شورای شهر کرج جمع‌آوری و بازیافت زباله را نیازمند آموزش و فرهنگ سازی دانست و گفت: برای کاهش تولید زباله باید تولید محتوا کنیم.

به گزارش پیام آشنا، فریده بزنی بیراتوند در بیست و یکمین کمیسیون خدمات شهری و ایمنی، بر ضرورت فرهنگ سازی تفکیک زباله از مبدأ اشاره کرد و گفت: در حوزه کاهش تولید زباله و تفکیک زباله خشک و تر باید خانواده ها آموزش ببینند به ویژه برای کودکان و نوجوانان باید این مهم نهادینه شود.

وی با تاکید بر اینکه کاهش تولید زباله مستلزم سیاستگذاری، برنامه ریزی و آموزش و فرهنگ سازی برای تمام اقشار شهروندی است، افزود: مدیریت شهری باید با بسترسازی برای رشد و پرورش ظرفیت های شهروندان از طریق آموزش از دانش و مهارت لازم برای شناخت حقوق، تکالیف و مشارکت فعال و آگاهانه در امر مدیریت پسماند بویژه در اجرای طرح تفکیک، کاهش تولید، رعایت نظافت و بهداشت محیط برای شهروندان فرهنگ سازی کند.

رئیس کمیسیون خدمات شهری و ایمنی شورای شهر کرج بیان کرد: باید کاری کرد که مردم به این باور برسند که تفکیک زباله از مبدأ کار بسیار ارزشمندی است و ایجاد چنین نگرشی بی‌تردید موجب می‌شود شهروندان بیش از گذشته با مدیران شهری همراه شوند و در این کار مشارکت کنند.

بزنی بیراوند با اعتقاد به اینکه برای کاهش پسماند باید از ساختمان‌ها و مراکز کوچک شروع کرد و در ادامه آن را توسعه داد، افزود: وقتی در یک نهاد و ساختمان کوچک تفکیک پسماند و کاهش استفاده از مواد پلاستیکی گسترش یابد، می توان آن را بیشتر فرهنگ سازی کرد و حتی در رسانه های دیداری، نوشتاری و شنیداری با ساخت برنامه های آموزشی فرهنگ کاهش زباله را گسترش داد.

آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها، بزرگترین تولید کنندگانِ زباله پلاستیکی در جهان

براساس گزارشی که نشریه گاردین به تازگی منتشر کرده است در ایالات متحده و انگلیس در مقایسه با هر کشور دیگر به ازای هر نفر، میزان بیشتری از زباله پلاستیکی تولید می‌شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، همچنین نتایج بررسی ها حاکی از آن است که در ایالات متحده بیشترین زباله پلاستیکی تولید می شود و شهروندان این کشور از نظر مشارکت در آلودگی پلاستیکی اقیانوس ها در رتبه سوم جهان قرار می گیرند.

نتایج بررسی های پیش از این نشان داده بود که کشورهای آسیایی در آلودگی پلاستیکی دریایی بیشترین نقش را دارند و ایالات متحده در جایگاه بیستم قرار دارد اما این در حالیست که در این گزارش‌ها، موضوع صادرات زباله از ایالات متحده یا تخلیه غیرقانونی زباله در این کشور در نظر گرفته نشده است.

بر اساس آخرین اطلاعات موجود که مربوط به سال ۲۰۱۶ است، بیش از نیمی از پلاستیک های جمع آوری شده برای بازیافت در ایالات متحده به خارج از کشور و بیشتر به کشورهایی ارسال شده که در حال حاضر برای مدیریت موثر زباله‌های پلاستیکی تلاش می‌کنند.

کارشناسان زیست محیطی تاکید دارند: ایالات متحده چهار درصد از جمعیت جهان را تشکیل می دهد و ۱۷ درصد از زباله های پلاستیکی خود را تولید می کند. از این رو لازم است ایالات متحده نقش بیشتری در حل بحران جهانی آلودگی پلاستیکی بازی کند.

به گفته محققان مشارکت یک کشور در تولید زباله های پلاستیکی به مرزهای خود محدود نمی شود. به طور مثال صادرات زباله پلاستیکی از ایالات متحده می تواند در تشدید مشکل جهانی زباله در اقیانوس ها نقش داشته باشد.

به نوشته روزنامه گاردین، زباله های پلاستیکی تمام کره زمین از عمیق ترین قسمت اقیانوس ها گرفته تا برف قطب شمال و خاک رشته کوه های آلپ را آلوده کرده است و به حیوانات آسیب می زند. همچنین نگرانی هایی در مورد میزان میکروپلاستیک هایی که از طریق آب، غذا و تنفس وارد بدن جانداران از جمله انسان می‌شود در حال افزایش است.

تجربه دو کارآفرین موفق دهه ۹۰ میلادی

برگرفته از کتاب: چگونه این کسب‌وکار را ساختم:

کارآفرین‌ها به‌دلایل مختلف کسب‌وکار خود را راه‌اندازی می‌کنند. ممکن است این کار را برای محقق کردن یک رویا یا حل یک مشکل یا حتی پر کردن یک خلأ در بازار انجام دهند. برخی از آنها به‌دنبال بهبود محصول/خدمتی به‌ظاهر منسوخ‌شده می‌روند و بقیه می‌خواهند یک صنعت کامل را بازاختراع کنند. ده‌ها مسیر پیش‌روی کارآفرینان (و البته شما به‌عنوان یک کارآفرین بالقوه) وجود دارد. اما فارغ از آنکه در کدام مسیر قدم می‌گذارید، در مرحله‌ای از زمان به یک ایده نیاز خواهید داشت؛ یک ایده مشخص. یک ایده قابل اتکا و منحصربه‌فرد. یک ایده که زندگی را بهتر و جذاب‌تر کند و در راستای هدف اولیه‌ای باشد که کار خود را با آن شروع کرده‌اید.

ساده به نظر می‌رسد. درست است؟ به هر حال، ایده‌ها فراوانند و یافتن آنها نباید چندان دشوار باشد. حداقل بسیاری از ما اعتقاد داریم که ایده‌ها آسان و فراوانند. آنچه بیش از همه اهمیت دارد، «اجرا» و عملی کردن این ایده‌ها است. البته نمی‌توان به چنین طرز تفکری خرده گرفت، اما واقعیت به همین جا ختم نمی‌شود؛ چرا که دست یافتن به یک ایده «خوب» دشوار است. ایده‌های خوب را به سختی می‌توان پیدا کرد و به سختی می‌توان اجرایی ساخت. اما پس از پیدا کردن آنها، به سختی می‌توان چشم‌ها را به رویشان بست. به این دلیل است که ایده‌های خوب، ترسناک هم هستند. بحث این نیست که هیچ‌گاه به چنین ایده‌ای نخواهید رسید اما این کار زمان می‌برد و زمانی که به آن برسید، به احتمال زیاد دیگر زندگی‌تان مثل سابق نخواهد بود.

با این حساب، کجا یکی از این ایده‌های خوب را پیدا خواهید کرد؟ کجا باید به‌دنبال آن گشت؟ آیا می‌توانید دنبالش بگردید؟ یا آنکه مجبور هستید منتظر فرشتگانی بمانید که آن را در گوش شما زمزمه کرده یا یکباره چراغش بر فراز سرتان روشن شود؟ برخی افراد خوش‌شانس هستند و جرقه ایده نابشان در سال‌های ابتدایی زندگی می‌خورد. یک ایده مانند الهامی آسمانی به ذهنشان خطور می‌کند و مسیرشان را تغییر می‌دهند. اما برای بقیه ما، کار به این سادگی نیست. ما مجبور هستیم به‌دنبال ایده‌های خوب بگردیم یا دست کم ذهنی باز برای ظهورشان داشته باشیم. یکی از سوالات همیشگی کارآفرینان این است که آیا می‌توان یک ایده خوب پیدا کرد یا ایده باید شما را پیدا کند؟ پاسخ هر دو سوال، یکی است: بله.

آشپز و مدیر رستورانی به اسم خوزه آندرس به من گفت که ایده‌ها زمانی پیدا می‌شوند که «فعالانه در حرکت و جست‌وجویشان باشید». او که نخستین رستوران خود را در اوایل دهه ۹۰ میلادی با نام خالیو (Jaleo) در شهر واشنگتن آمریکا افتتاح کرد (و به‌عنوان بنیان‌گذار رستوران‌های سبک بشقاب‌کوچک بود و پیش‌غذاها و مجموعه‌ای از غذاهای مختلف را به سبک اسپانیایی‌ها به همراه یکدیگر ارائه می‌داد)، در پاسخ به اینکه چگونه این ایده به ذهنش رسید، ساده گفت: «در جست‌وجو بودم».

در آن سو، لیسا پرایس، موسس شرکت آرایشی کارولز داتر (Carol’s Daughter) که بعدها شرکت خود را به لورآل فروخت، به‌دنبال ایده نمی‌گشت. لیسا برای من توضیح داد: «فکر می‌کردم شغلی را پیدا کرده‌ام که تا پایان عمر آن را ادامه خواهم داد.» او که فارغ‌التحصیل دبیرستان موسیقی و هنر نیویورک است، در اواخر دهه دوم زندگی و پس از سال‌ها کار دفتری طاقت‌فرسا (ابتدا برای شرکت پستی امریکن اکسپرس و پس از آن در سازمان ملل و یک شرکت پزشکی/ سلامتی) و شکست در حوزه موسیقی، زندگی‌اش تغییر کرد. لیسا در آن زمان که اواخر دهه ۸۰ میلادی بود، در یک آپارتمان محقر در بروکلین با همسر خود زندگی را آغاز کرده بود. در این زمان، یکباره خود را در شغلی دید که یکی از دوستانش معرفی کرده بود: دستیار نویسنده سریال دی کازبی شو (The Cosby Show). لیسا فکر می‌کرد شغل رویایی‌اش را پیدا کرده است.

البته این تصور، مدت‌ها پیش از آن بود که بیل کازبی (که نام سریال از او اقتباس شده بود) درگیر دادگاه شود و به جرم آزار جنسی محکوم شود. در آن زمان، دی کازبی شو محبوب‌ترین سریال تلویزیون آمریکا بود و بدون شک یکی از مهم‌ترین برنامه‌های تلویزیونی تاریخ سیاه‌پوستان به حساب می‌آمد.

لیسا توضیح می‌دهد: «به‌عنوان یک زن سیاه‌پوست، همکاری در چنین سریالی اهمیت فراوانی برای من و خانواده‌ام داشت. کمک به تولید سریالی که چنان تصویر مثبتی از سیاه‌پوستان به نمایش می‌گذاشت، بسیار لذت‌بخش بود. صبحانه‌ام را در محیطی می‌خوردم که بازیگران در حال تمرین و ضبط فیلمنامه بودند و این موضوع روزم را می‌ساخت.»

او به یاد می‌آورد که در سال‌های پس از آن تجربه می‌توانست هر شغلی در تولید برنامه‌های تلویزیونی داشته باشد: از سرپرستی فیلمنامه تا هماهنگی تولید یا تهیه‌کنندگی. «فکر می‌کردم همین شغل را ادامه خواهم داد.»

بر حسب اتفاق، یک روز مقاله‌ای درباره یکی از بزرگ‌ترین (وظاهرا خوش‌عطرترین) موسیقی‌دان‌های تاریخ می‌خواند. لیسا توضیح می‌دهد: «من حسابی طرفدار پرینس (پرینس راجرز نلسون) بودم و مقاله‌ای هم که می‌خواندم در این باره بود که او چطور همیشه بوی خوش عطر و ادوکلن می‌دهد. مشخص شد که او ترکیبی از عطرهای مختلف استفاده می‌کند و ادوکلن شماره ۵ شنل را در پوتینش می‌زند.»

لیسا هم از عطر خوشش می‌آمد اما هیچ‌گاه علاقه‌اش فراتر از قدردانی از مشتریان این صنعت نرفته بود. پرینس باعث شد او بفهمد که عطر چیزی بیشتر از یک ماده تجملاتی است. عطر نوعی بیان خلاقانه بود. یک هنر بود.

لیسا درباره آن مقاله می‌گوید: «از ایده ترکیب عطرها و ایجاد یک رایحه جدید به شدت خوشم آمد.» مجذوب عطر شدن نه فقط به‌دلیل علاقه لیسا به موسیقی‌دان محبوبش بود (که البته هیچ ایرادی هم در آن نیست)، بلکه به‌دلیل ایده‌ای بود که در ذهنش جرقه زد.

لیسا شروع به مطالعه و تحقیقی چندساله کرد. در مورد رایحه‌های مختلف خواند (پیش‌رایحه، رایحه ثانویه و رایحه پایه عطرها) و شیوه ترکیب آنها را آموخت. او شیوه کاربردی کردن آموخته‌هایش را هم فرا گرفت. لیسا به زبان ساده از یافته‌هایش برایم می‌گوید که مطمئنم برای هزاران نفر دیگر هم گفته است: «رمز ماندگار کردن عطرهای مختلف، پوشاندن آن با لایه‌های مختلف است. روی آن را می‌شویید، از مرطوب‌کننده استفاده می‌کنید و در نهایت عطر دیگری بر آن می‌پاشید.»

او پیش‌تر از آن تلاش کرده بود لوسیون‌ها را با عطرهای مختلف ترکیب کند و به مرطوب‌کننده‌های معطر برسد اما نتیجه کار، افتضاح بود. برایم توضیح می‌دهد: «آنها را نمی‌توان به‌دلیل تفاوت‌های شیمیایی با یکدیگر ترکیب کرد و به همین دلیل همه چیز جدا باقی می‌ماند.» در نهایت، جست‌وجوی او به همراه همسرش در یک آخر هفته در کتابخانه‌ای در زندگی محل سکونتش به نتیجه نشست. او کتابی پیدا کرد که درباره اسانس‌های روغنی (گیاهی) توضیح داده بود و شیوه ساخت مواردی مانند روغن ماساژ، روغن مو، کرم‌ها، مرهم‌ها و روغن‌های گیاهی هم در آن به چشم می‌خورد. هر چیزی که دوست داشت، در آن کتاب یافت می‌شد.

لیسا به یاد می‌آورد: «دستورهای ساخت بسیار خلاصه بودند و اغلب شامل موادی مانند پارافین و لانولین (روغن پشم گوسفند) می‌شدند که علاقه‌ای به آنها نداشتم. من می‌خواستم با چربی‌هایی مانند کره کاکائو محصولات خود را بسازم و هر زمان که به بافت و سختی مدنظر خود نمی‌رسیدم، به کتاب مراجعه می‌کردم و روش خود را تغییر می‌دادم.»

اوایل دهه ۹۰ میلادی، تلاش‌های او به نتیجه رسید و محصولاتی برای مراقبت از پوست ساخت. اگر شما هم مانند من باشید، انتظار دارید که این آغاز امپراتوری شرکت کارولز داتر باشد. اما چنین نبود. لیسا این محصولات را فقط برای خودش می‌ساخت. سرگرمی‌اش بود و از آن لذت می‌برد. او از موادی مانند آلوئه‌ورا و کره کاکائو استفاده می‌کرد که علایقش را ارضا می‌کرد و نیازهای پوست خود را برطرف می‌کرد. به هر حال، این کار را برای خود می‌کرد و قرار نبود برای پوست دیگران چیزی بسازد. از طرفی شغلش به خوبی پیش می‌رفت و از آن بسیار راضی بود.

با این حال، شغل نویسندگی او در پایان راه بود. سریال دی کازبی شو در سال ۱۹۹۲ متوقف شد. از آن زمان، به مدت یک سال در سریال‌های تلویزیونی دیگر به دستیاری تهیه‌کننده مشغول شد تا آنکه تابستان (۱۹۹۳) فرا رسید که فصل استراحت صنعت فیلم‌سازی است. در آن زمان که خبری از کار نبود، مادر لیسا، کارول به او پیشنهاد داد محصولات دست‌ساز خود را در بازارچه‌ای بفروشد که قرار بود کلیسایشان آن را برگزار کند.

ماه مه ۱۹۹۳ بود و لیسا با خود فکر می‌کرد که بد نیست اندکی پول برای کمک به هزینه‌های خانواده به دست بیاورد. اما همچنان شکاک بود. به مادرش گفت: «واقعا؟ فکر می‌کنی مردم برای این چیزها پول می‌دهند؟» ما اکنون جواب سوال او را می‌دانیم اما معما چو حل گشت، آسان شود. در آن زمان واکنش لیسا کاملا طبیعی بود. او باید به تبدیل سرگرمی شخصی‌اش به محصولی برای بازار فکر می‌کرد. باید آن را به چشم یک ایده کسب‌وکار می‌دید. اما در نهایت، او هم مانند خوزه آندرس، کسب‌وکاری موفق را راه‌اندازی کرد. آندرس فعالانه به‌دنبال ایده‌ای خوب برای بهبود شیوه فعالیت رستوران‌های آمریکایی می‌گشت و ذهنش را به روی ایده‌ها باز گذاشته بود. با این حال، شباهت‌هایی با یکدیگر داشتند. هر دوی آنها به فعالیت در حوزه‌ای پرداختند که در آن تخصص و علاقه داشتند و هر دوی آنها می‌توانستند قالب‌ها را شکسته و شیوه جدیدی برای فعالیت کسب‌وکارها متصور شوند.

مترجم: مهدی نیکوئی

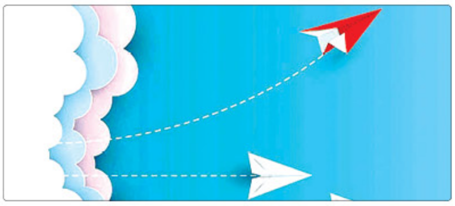

اخبار

آخرین وضعیت صدور پروانه برای پلاسکو

شهردار منطقه ۱۲ تهران در مورد آخرین وضعیت صدور پروانه ساختمانی برای پلاسکو، توضیحاتی ارائه کرد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایسنا، علی محمد سعادتی در مورد آخرین وضعیت صدور پروانه ساختمانی برای ساختمان در حال احداث پلاسکو، گفت: نقشه‌های ساختمان در حال ساخت پلاسکو، در سیستم شهرسازی شهرداری تهران بارگذاری شده است، اما موضوع تعیین تکلیف مسائل حقوقی و حساب و کتاب ریالی آن باقی مانده است.

وی با بیان اینکه ما در شهرداری تهران به ساختمان پلاسکو به مانند سایر ساختمان‌های در حال ساخت نگاه می‌کنیم و تفاوتی قائل نیستیم، افزود: کار فنی پروژه تمام شده است و عوارض در حساب و کتاب‌های فی‌مابین بنیاد مستضعفان و شهرداری تهران در حال بررسی است و دقت داشته باشید که تصمیم‌گیری در مورد مسائل مالی نیز در حوزه اختیارات شهردار منطقه نیست.

سعادتی با بیان اینکه با تعیین تکلیف مسائل مالی، بلافاصله پروانه ساختمانی پلاسکو صادر می‌شود، افزود: ما دغدغه مسائل فنی و ایمنی ساختمان را داشتیم که خوشبختانه تاییدیه‌های لازم از آتش‌نشانی و سازمان نظام مهندسی در مورد این ساختمان اخذ شده است.

آغاز ساخت تقاطع غیر همسطح شهید نواب - تندگویان

عملیات احداث تقاطع غیرهمسطح شهید نواب – تندگویان آغاز شد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری، روز شنبه مراسم آغاز عملیات احداث تقاطع غیرهمسطح بزرگراه شهید نواب با حضور مسئولان به صورت مجازی برگزار شد و در این مراسم سردار حمیدی رئیس پلیس راهور تهران با بیان این که این نقطه یکی از نقاط حادثه‌خیز تهران است، اظهار کرد: تنها در سال ۱۳۹۸ در این محدوده چهار نفر کشته شدند و در آخر هفته‌ها و در طول مناسبت‌های مختلف همچون پنج‌شنبه آخر سال گره ترافیکی در این محدوده بسیار زیاد است و اقدامات عمرانی برای اصلاح این معبر ضروری بود هرچند که برای ماموران راهنمایی و رانندگی مشکلاتی را فراهم می‌کند.

وی با بیان این‌که امیدواریم این پروژه در زمانبندی اعلام شده به پایان برسد و هرچه سریع‌تر زیرگذر و روگذر در اختیار مردم قرار گیرد، اضافه کرد: با اصلاح مهندسی این معبر عبور و مرور تسهیل پیدا می‌کند.

در ادامه افشین حبیب‌زاده - رئیس کمیته عمران شورای شهر - نیز در سخنانی با بیان این‌که سه گروه پروژه‌های عمرانی داریم گفت: در پروژه‌های کوچک‌مقیاس محله‌ای شاهد هستیم که تنها در منطقه ۱۶، ۶۴ پروژه در حال اجرا است، اما در برخی مناطق پروژه‌هایی با مقیاس متوسط داریم که بعضا با مشکلات مالی مواجه هستند که امیدواریم با تدبیر شهردار تهران هرچه سریع‌تر این پروژه‌های متوسط منطقه‌ای تعیین تکلیف شوند.

وی با بیان این‌که مسئولیت پروژه‌های فرامنطقه‌ای همچون پروژه تقاطع غیرهمسطح شهید نواب – تندگویان که امروز افتتاح می‌شود برعهده معاونت فنی و عمرانی است، اظهار کرد: مطالعات این پروژه نشان می‌دهد که با تکمیل این تقاطع همسطح ۳۰ درصد از ترافیک منطقه کاهش یافته و تردد خودروها سرعت می‌گیرد و از لحاظ محیطی نیز از تولید آلاینده‌ها در این منطقه کاهش می‌یابد و به همین دلیل لازم است هرچه سریع‌تر اجرای این پروژه‌های موثر آغاز شود تا رضایت مردم کسب شود.

تداوم پسماندسوزی در برخی نقاط اطراف تهران

سرپرست اداره حفاظت محیط زیست شهرستان بهارستان از اجرای گشت و پایش شبانه به منظور برخورد با تخلفات محیط زیستی در سطح این شهرستان همزمان با فصل سرما خبر داد و تاکید کرد: این اداره در صورت مشاهده و شناسایی تخلفات زیست محیطی با عاملان آنها برخورد قاطع و قانونی خواهد داشت.

به گزارش پیام آشنا، علیرضا فاضلی ادامه داد: با توجه به احتمال تخلفات زیست محیطی از سوی افراد سودجو، در خارج از وقت اداری و ساعات پایانی شب، ماموران این اداره شب گذشته به منظور بررسی وضعیت زیست محیطی شهرستان و فعالیت واحدهای مستقر در حوزه استحفاظی شهرهای نسیم شهر و گلستان و مناطق اورین، خیرآباد، بلوار پایانه، ریه، امامزاده باقر، سبزدشت، شهرک های صنعتی قلعه میر و بهاریه را مورد پایش قرار دادند.

وی افزود: طی گشت شبانه مذکور ۱۰ واحد ریخته گری مورد بررسی کارشناسان این اداره قرار گرفت و یک واحد مفتول کشی نیز شناسایی شد.

فاضلی با اشاره به مشاهده فعالیت آلاینده سه واحد ریخته گری در شهرک صنعتی قلعه میر در این گشت و پایش تصریح کرد: هرچند این واحدهای ریخته گری مجهز به سیستم های فیلتراسیون هوا است اما عملکرد نامناسب سیستم ها موجب انتشار آلودگی می شود که براین اساس اخطاریه قانونی در خصوص اصلاح عملکرد سیستم ها برای این واحدها صادر شد.

سرپرست اداره حفاظت محیط زیست شهرستان بهارستان در پایان ضمن بیان مشاهده و اطفای ۱۰ مورد پسماندسوزی بدون حضور عاملان تاکید کرد: این اداره با اجرای گشت و پایش های شبانه روزی، در صورت مشاهده و شناسایی تخلفات زیست محیطی با عاملان آنها برخورد قاطع و قانونی می کند و شهروندان نیز در صورت برخورد با اینگونه موارد موضوع را به اداره حفاظت محیط زیست شهرستان اطلاع دهند